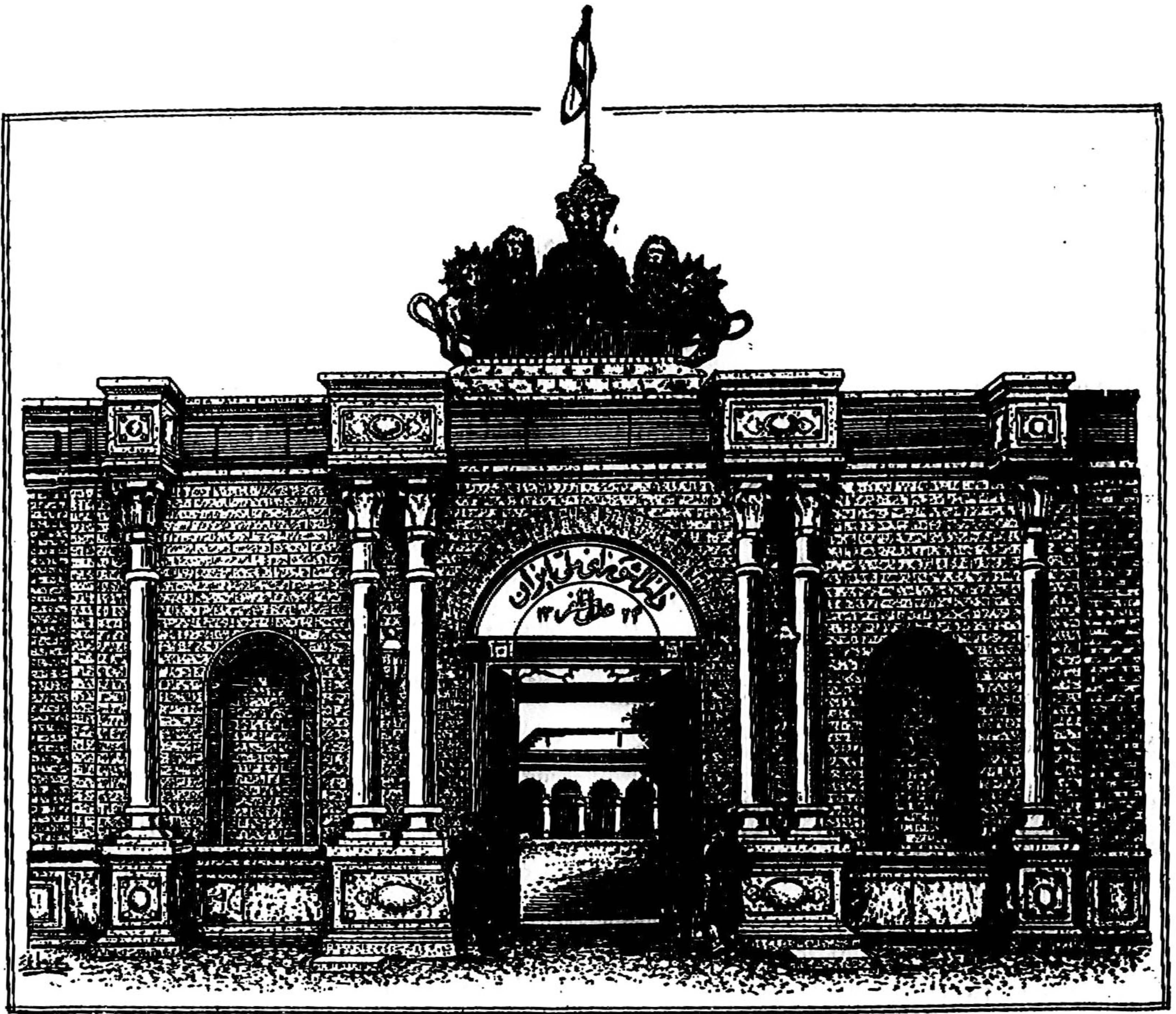


<p>جلسه ۷۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره سی و دوم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه بله پنجشنبه ۱۸ اسفند ماه ۱۳۰۵ مطابق ۶ رمضان ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمت اشتراك در داخله ایران سالانه ده تومان خارجی دو و نیم قیمت تک شماره یک قراب</p>

فهرست مطالب

	از صفحه	الی صفحه	عنوان	
۱	۷۷۶		تقدیم طرح اصلاح نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی از طرف آقای شیروانی	
۲			جواب سؤال آقای شیروانی راجع به قرار داد هواپیمائی بین المللی از طرف آقای وزیر داخله	
۳	۷۷۷	۷۷۶	سؤال آقای حائری زاده از آقای وزیر داخله راجع به نقاطی که انتخابات آنها خاتمه یافته و جواب آقای وزیر	
۴	۷۷۹	۷۷۷	سؤال آقای امامی از آقای وزیر معارف راجع به معارف خوی و جواب آقای وزیر	
۵	۷۸۱	۷۸۰	سؤال آقای زوار از آقای وزیر داخله راجع به صحیه ترشیز	
۶			سؤال آقای نامداد از آقای وزیر داخله راجع به تفتیش دواهای دواخانه ها و تحدید دوا فروشها	
۷	۷۸۲	۷۸۱	تصویب مرخصی آقایان پالیزی - اسعد - رفیع	
۸	۷۸۴	۷۸۳	بقیه شور نسبت به لایحه تأسیس بانک (ماده ۱۱ - ۱۲ و مواد الحاقیه)	
۹	۷۹۱	۷۹۹	مذاکرات نسبت به لایحه تعلیمات عمومی	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله پنج شنبه ۱۸ اسفندماه ۱۳۰۵ مطابق ۶ رمضان ۱۳۴۵

جلسه ۷۳

رئيس - صورت مجلس ايرادى ندارد ؟
(گفتند خير)

رئيس - صورت مجلس تصويب شد .

(مجلس سه ساعت از شب گذشته برپاست)
(تشكيل گرديد .)

(صورت مجلس ليله سه شنبه شانزدهم اسفندماه را)
(آقاى ضياء قرائت نمودند)

جمعی از نمایندگان - دستور

رئیس - وارد دستور بشویم؟

عده از نمایندگان - بلی .

شیروانی - بنده هم يك طرح قانونی است میخواهم
تقديم كنم اجازه میفرمائید؟

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده عرض قبل از دستور ندارم . چند
جلسه است يك طرح قانونی كه عده زیادی از آقایان
نمایندگان محترم آنرا امضاء فرموده اند تهیه شده میخواهم
تقديم مجلس كنم ، البته آقایان تصدیق میفرمایند
گاهی از قبیل همین مذاکره قبل از دستور و انواع
پیش آمدهای دیگری كه پیش میآید در نتیجه بواقعی
است كه در نظامنامه داخلی مجلس هست و گاهی
گرفتارهایی ما در مجلس پیدا میکنیم كه نظامنامه مان
اصلاح نشود این قبیل معایب رفع نمیشود . يك کمیسیون
برای اصلاح نظامنامه داخلی مجلس در دوره پنجم تشكيل
شد كه حضرت آقای رئیس و آقای دكتر مصدق و بكمده
دیگر از آقایان نمایندگان در آن کمیسیون تشریف داشتند
و مدت سیزده ماه نحت مطالعه و دقت بود اغلب آقایانی
كه در آن دوره تشریف داشتند آن نظامنامه را كه اصلاح
شده است ملاحظه فرموده اند . حالا استدعائی كه شده
است یعنی پیشنهاد شده است این نظامنامه كه در دوره
پنجم اصلاح شده است و خبرش از کمیسیون تقديم مجلس
شده است مثل يك طرح قانونی به يك کمیسیون مخصوصی
احاله شده و پس از تجدید نظر دومرتبه تقديم مجلس
بشود و رفع معایبی كه عملاً همه جلسه در نظامنامه
میبینیم بشود .

(طرح مزبور را تقديم مقام ریاست نمودند)

رئیس - آقای وزیر داخله برای جواب سؤال آقای

شیروانی كه در جلسه قبل شد حاضرند

وزیر داخله - راجع بسؤالى كه آقای شیروانی در

جلسه گذشته راجع بمسئله هواپیمائی کرده اند و عرض كردم
در جلسه آتیه جواب عرض میکنم حالا برای اطلاع آقایان
شرح قضیه را عرض میکنم : تقریباً در هشت سال قبل
در پاریس كنكره بین المللی هوا پیمائی تشكيل شده است
در همان وقت دولت ایران را به كنكره مزبور دعوت
كرده بودند و عضویت آن كنكره را هم دولت قبول كرد
و به وزیر مختار ایران در پاریس نمایندگی داده بود كه از
طرف دولت در كنكره مزبور حاضر شود و قرارداد را كه
در آن كنكره نوشته شده بود وزیر مختار ایران
امضاء کرده . بر طبق مقررات قرار داد مزبور طیارات
تمام دولتی كه عضویت كنكره را داشتند و مقررات آنرا
پذیرفته اند در نحت شرایط معینی مجاز هستند كه در هوای
مالك عضو كنكره (در نقاطی كه همین میشود) طیاران نموده
و حمل مسافر و غیره بكنند . هوا پیمائی انگلیسی هم كه
چندی قبل از جنوب عبور نموده بود برای تجربه خط
هوایی از مصر به هندوستان بود برای اینکه این خط
رسمی افتتاح بشود لازم است قرارداد مزبور به تصویب
مجلس مقدس شورای ملی برسد از طرف دولت هم لایحه
آن تهیه شده و بزودی تقديم مجلس خواهد شد و
خاطر محترم آقایان مسبوق می شود و آقایان هم
پس از ملاحظه مقررات آن تصدیق خواهند فرمود كه
از نقطه نظر تجارتنی و برای مسافرت این مقررات كه
در تمام نقاط ممالك مختلفه برقرار و جاری است نتایج
كلی داشته و باقیودانی كه دارد بهیچوجه مزاحمتی هم
با مسائل سیاسی نخواهد داشت

شیروانی - البته همانطور كه وزیر محترم داخله
اظهار فرمودند این قرار داد بین المللی وقتی امضاء شده
است كه دولت ایران اصلاً هوا پیمائی نداشته است
و سؤال بنده هم برای این است كه این قبیل كنكره ها
كه در دنیا تشكيل میشود و هر روز دعوت از دولت
ایران میشود بدون اینکه يك مناقشی در نظر گرفته
شود شركت بكنند و این قبیل مسائل مهم را

هم اگر بخواهند شركت كنند باید با اجازه مجلس شورای
ملی باشد (بعضی از نمایندگان صحیح است) در اینجا
هم همانطور كه فرمودند عجزاً لایحه آنرا بعد از عمل
به مجلس شورای ملی تقديم می نمایند و امیدوارم كه در
آتیه دیگر این قبیل عملیات بدون تصویب مجلس شورای ملی
تكرار نشود .

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید .

وزیر مالیه - چند فقره لایحه است برای تقديم به مجلس :
يكی دوسه ماده است راجع به مجازات قاچاق كمری
كه بایستی بقانون مجازات عمومی علاوه شود . دیگری
لایحه ایست برای استخدام یكنفر مهندس شیمیست . يكی
دیگر لایحه ایست از برای دادن شهریه به عیال یكنفر
فراش كه در خدمت مالیه تلف شده است . يك لایحه
هم از طرف آقای رئیس الوزراء است كه تقديم مجلس
میشود و چون خودشان نتوانستند به مجلس بیایند به
بنده دادند كه تقديم كنم .

یكنفر از نمایندگان - راجع به چیست؟

وزیر مالیه - راجع به سالار الدوله است .

(همه نمایندگان)

رئیس - آقای حائری زاده از آقای وزیر داخله

سؤالى داشتید قبلاً مسبوقشان کرده اید؟

حائری زاده - بلی مسبوق هستند .

رئیس - بفرمائید .

حائری زاده - بدیهی است این مملکتی كه وسائل
ارتباطیه صحیحی ندارد افرادی كه در بلوچستان زندگان
می كنند خیلی كم اتفاق می افتد كه با افرادی كه در آذربایجان
زندگی میکنند هم دیگر املاقات نمایند یکی از نتایجی كه مجلس
شورای ملی برای مملكت دارد و به عقیده بنده باید آنرا خیلی
مهم بشماریم و نگذاریم كه بر خلاف مقصود نتیجه حاصل
شود آن آمیزشی است كه افراد مختلفه كه در اطراف این
مملكت زندگان میکنند دو سال يكمرتبه با هم در مجلس

شورای ملی پیدا میکنند . آذربایجان ، سیستان ، خراسان ،
فارسی ، كردستان ، اینها همه اینجا حضور پیدا كنند
و با هم آشنا شوند و مركز را به معنی واقعی و حقیقی
صورت رسمیت بهش بدهند . متأسفانه در انتخابات این
نظر اصلی اخیراً كم كم دارد ضعیف میشود و درست
رعایت نمیشود حالا بنده میخواهم وارد بشوم در اینکه
خوب بود بلوچستان را دولت بیشتر درش دقت میکرد
و مثل اینکه آقا سید حسنخان بلوچ آمده بود یكنفر
از افراد بلوچ میامد در مجلس حالا اینها قضایائی است
كه گذشته است و وارد در آن نمی شوم نقاط سرحدی
را دولت باید بیشتر رعایت كند و انتخاباتش را سریع تر
و زود تر عمل كند . مثلاً كردستان مدتی است كه
انتخاباتش همین طور معطل مانده است در صورتیکه
لازم است از كردستان نماینده اش هر كس هست بیاید
به مجلس .

در قسمت كيلان مدتی است كشمکش هست و هیچ
جور ختم نمیشود .

كيلانی در مجلس باشد (از هر طبقه كه باشد) بهتر
است از این كه نماینده كيلان در مجلس نباشد . چون
آقای وزیر داخله را من معتقدم همین شكلی كه در
مجلس بودند معروف بودند به جدیدت و فعالیت میخواستم
ازشان سؤال كنم كه آیا اقدامی فرموده اند كه این
انتخاباتی كه باقی مانده است تسریع بشود و ختم بشود
كه ما هم همكاران محترم خود مان را كه از آن نقاط
میایند زود تر زیارت كنم یا خیر؟

وزیر داخله - انتخابات باقی مانده دوسه نقطه است
كه هنوز دیرترش به عرض مجلس شورای ملی نرسیده
است . از جمله آنها یکی رشت است يكی سراب و
گرم رود است

یكنفر از نمایندگان - نماینده سراب كه آمده است
وزیر داخله - اجازه بدهید . يكی هم كردستان است
انتخابات رشت را بنده خودم هم هنوز مجال نكرده ام

که درست در دوسیه و جریاناتش مطالعاتی بکنم و البته بزودی دوسیه مزبور را مراجعه میکنم و اطلاعاتی که باید تحصیل میکنم و انشاءالله نتیجه اش را زودتر عملی میکنم که به عرض مجلس شورای ملی برسد. انتخابات سراب يك کشمکشهای پیدا کرده بود که بالاخره از طرف وزارت داخله مفتش مخصوصی روانه شد و رفت در آنجا و استخراج آراء هم بعمل آمد نمائنده آنجا هم معین شده ولی سایر جریاناتش خائمه ایافته و علتش هم این بود که يك عده از رعایا که شاید يك محرکین هم داشته اند (وزارت داخله هم در صدد است که با کمال جدیت معلوم کنند که محرکین قضیه کیهان بوده اند) پس از قرائت آراء آمده بودند و آراء قرائت شده را آتش زده بودند و تصور کرده بودند که شاید ممکن است این مسئله با اساس انتخابات صدمه بزند. اخیراً آن مفتش که از طرف وزارت داخله فرستاده شده بود (ويك اسناد و مدارکی هم شاید پیش او باشد برای اینکه معلوم شود محرکین این قضیه کی بوده است) احضار شده و تا سه چهار روز دیگر خواهد رسید و امیدوارم پس از اقداماتی که شده و میشود يك راپورت مشروحی درین باب بعرض مجلس شورای ملی برسانم.

راجع بانخابات کردستان: بطوریکه خاطر محترم آقایان مسبوق است تقریباً در چند ماه قبل در شهر استخراج آراء تمام میشود بعد يك اعتراضاتی از طرف يك عده از اهالی میشود که انتخابات تکمیل نشده است یعنی بموجب قانونی که در دوره پنجم اصلاح شده يك حوزه های فرعی برای انتخابات معین میکنند که میگویند صندوق بانجاها نرفته و انجمن نظار فرستاده اند. از طرف وزارت داخله این اعتراضات بحکومت و بانجمن نظار آنجا تلگراف میشود. انجمن نظار تلگرافاتی میکنند منجمله مستقیماً هم بمجلس شورای ملی تلگراف میکنند و انتخابات آنجا را تمام شده فرض میکنند و عنوانشان هم این است که میگویند در دوره چهارم و پنجم هم انتخابات کردستان بهمین

صورت خائمه پیدا کرده است. معترضین اظهاراتشان این است که دوره ششم با دوره پنجم فرق دارد برای اینکه در قانون انتخابات یعنی این قانونی که اخیراً اصلاح شده است يك شعب فرعی را معین کرده است که باید حتماً بانجاها صندوق و انجمن برود. این مطلب را هم انجمن جواب میگوید: اشخاصی که در شعب فرعی بوده اند آمده اند در شهر و رای داده اند. اخیراً بنده يك تلگرافی بحکومت آنجا کردم که بالاخره دولت نمیتواند بیش از این را جمع بکند و انتخابات کردستان تأمل کند و بهتر این است زودتر این کار را خائمه بدهید. انجمن نظار تلگرافی کرده بود که به نمره ۸۵ قضایا را به مجلس شورای ملی عرض کرده ایم ما انتخابات را خائمه یافته میدانیم و حاضر هم نیستیم که در شعب فرعی صندوق بفرستیم چون اطلاع داریم اشخاصی که در آن شعب هستند همه در شهر رای داده اند. بهر حال قضیه صورت مشکلی بخودش گرفته برای اینکه در قانون میگوید انجمن نظار را وقتی که معین کردند بعد مسؤول صحت جریانات انتخابات انجمن نظار است بحال انجمن نظار کردستان میگوید انتخابات خائمه یافته است ولی راپورت مأمورین وزارت داخله برخلاف انجمن است و آنها اظهارات معترضین را ناپدید می کنند. بنده اخیراً بهی دو روز قبل يك تلگراف دیگری به انجمن نظار کردم با تذکر دادن ماده هفدهم قانون انتخابات - یکی هم بحکومت مخاربه کردم ولی هنوز جواب تلگراف اخیر بنده نرسیده بحض اینک که جواب برسد اگر طوری بود که بنده خودم بهی وزارت داخله توالست قضیه را حل کنند که حل میکنیم و خائمه میدهیم و نمائنده آنجا را بمجلس معرفی می کنیم و اگر نتوانستیم و دچار يك اشکالاتی شدیم ناچاریم صورت جریان قضیه را بعرض مجلس شورای ملی برسانیم که هر طور مجلس صلاح میداند و حکمیت میکند همان قسم رفتار شود

رئیس - آقای وزیر معارف

وزیر معارف - در دوسه روز قبل آقای امامی سؤالی کرده بودند راجع بمعارف خوی که از طرف مجلس ببندیده نوشته بودند بنده حاضر برای جواب

رئیس - آقای امامی

میرزا جواد خان (امامی) - تقریباً در یکماه قبل بوسیله تلگرافات عید بنده که توسط بنده بمقام مجلس مقدس شورای ملی و هیئت دولت رسیده بود معلوم شد که معلمان مدارس کلیه بواسطه نرسیدن حقوق چند ماهه خود دست از کار کشیده و مدارس را تعطیل کرده اند معلوم است تعطیل آقایان معلمان چه اثرات سوئی در ولایات سرحدی می بخشد. بنده تلگرافاً از آقایان تقاضا کردم که دست از تعطیل برداشته و مشغول کار خودشان باشند تا بنده بتوسط وزارت معارف اقداماتی کرده و نتیجه را بر عرض آنها برسانم پس از مراجعه بوزارت مالیه معلوم شد که حتی حقوق برج بهمن ماه را هم بوزارت معارف بالتام پرداخته اند و معلوم نیست باینکه وزارت معارف بالتام بودجه اش از طرف وزارت مالیه پرداخته شده تعویق حقوق چند ماهه معلمان خوی به چه علت بوده است. در صورتیکه آنطوریکه بنده تحقیق کرده ام در خوی مدارس جدیدی تشکیل نشده است و بر بودجه معارف آنجا هم اضافه نشده است در این صورت از وزیر محترم معارف تقاضا دارم که معین بفرمایند علت نرسیدن حقوق آنها چه بوده است و بعلاوه چه اقداماتی در این باب فرموده اند.

وزیر معارف - بودجه مدارس خوی از محل عوارضات معارفی پرداخته می شده است. در سال گذشته که عوارض معارفی از طرف مجلس ملغی شد مالیه در نظر گرفته بود که امسال هم از همان محل عوارض معارفی یعنی بان اندازه که عوارض معارفی داشته است بودجه شان را تا همین بکنند و بودجه معارف خوی را تا هشت ماه از سال پرداخته است

بعد مالیه محل به رئیس معارف آذربایجان اطلاع میدهند که بیش از این مقداری که برای این هشت ماه پرداخته شده است دیگر محلی موجود نیست بنابر این آقایان معلمان مدارس خوی منتظر نباشند که حقوق چهار ماهه آنها پرداخته خواهد شد. در چندی قبل که خبر به بنده رسید بنده این موضوع را تعقیب کردم و شرحی از طرف وزارت معارف بوزارت مالیه نوشته شد که این روبه روبه مطلوبی نبوده است و مقتضی است بهر قسم که هست بودجه معارف خوی را تا آخر سال بپردازند تا این که در چندی قبل از طرف وزارت مالیه شرحی نوشته شد بحالیه آذربایجان که تا آخر هذه السنة حقوق و مخارج مدارس خوی را بپردازند و منتظر کسر عوارض و غیره نشوند و سواد این حکمی که وزارت مالیه بآذربایجان مخاره کرده بود بوزارت معارف رسید و تقریباً در پنج شش روز قبل مفاد حکم وزارت مالیه از طرف وزارت معارف هم به معلمان مدارس خوی که شاکي بوده اند ابلاغ شده است و هم به رئیس معارف آذربایجان بنابر این تصور میکنم دراز این عملی که وزارت مالیه و معارف کرده اند دیگر جای نگرانی برای آنها باقی نخواهد بود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو هم سؤالی داشتند

بعضی از نمایندگان - دستور. دستور.

رئیس - سؤالات مطابق نظامنامه است نمیشود منع کرد

آقای ارباب

ارباب کیخسرو - بنده سؤالم راجع بانخابات کردستان بود که آقای حائری زاده فرمودند و مقصود بنده هم حاصل شد منتظر هستیم نتیجه اش را ببینیم.

رئیس - آقای زوار منظور خودتان را به آقای وزیر داخله اطلاع داده اند؟

زوار - بلی عرضی کرده ام.

رئیس - بفرمایید.

زوار - بنده سعی خواهم کرد که سؤال بنده (برای اینکه وقت مجلس تلف نبود) بشکل کنفرانس دربیاید نظر پارادنی که به آقای وزیر داخله دارم میخواهم موضوع سؤال را تغییر داده و برای اینکه مسئله فوق العاده حیاتی است از ایشان استمداد بخوام البته تصدیق میفرمائید که : سلطنت ، مجلس شورای ملی ، مملکت ، دولت و بالاخره تمام این تشکیلات که هست برای آسایش ملت است .

ترشیز دارای شصت هزار نفر سکنه است . کوه سرخ بیست و پنج هزار نفر . بیجستان هم تقریباً پانزده هزار نفر این تقریباً صد هزار نفر میشود اینها تقریباً سالی صد و سی هزار تومان مالیات میدهند . علاوه بر عوارض انحصاری قند و چای و سایر تعدیاتی که نسبت بانها میشود فقط اینها سالی صد و بیست صد و سی هزار تومان مالیات مستقیم و غیر مستقیم میدهند ولی در مقابل يك نفر طبیب ندارند تقریباً صد و بیست هزار نفر جمعیت ترشیز يك نفر طبیب ندارند دیگر محتاج بتوضیح زیادی نیست و حال آنها معلوم است که چه خواهد شد با آقای رئیس کل صحیبه عرض کردم فرمودند بودجه کم است بالاخره بنده عرض میکنم اگر بودجه کم است ترشیزی چه کار باید بکنند ؟ بنده عرض میکنم که ترشیزی با قزوینی با کاشانی با اصفهانی فرق دارد خبر ترشیز هم جزو لایتنجری ایران است . ترشیزی انتظار دارد باو هم رعایت و کمکی بشود . ترشیزی بدولت مالیات میدهد و بهمان اندازه هم میخواهد حق حیات برای خودش قائل شود . ولایتی که صد و سی هزار تومان مالیات مستقیم و غیر مستقیم میدهد انتظار دارد که هیئت دولت احتیاجات آنها را رفع کند . بنده از تمام آقایان نمایندگان سؤال میکنم که يك جمعیت صد و بیست هزار نفری که دارای يك صد و سی هزار تومان مالیات است چه باید بکند در صورتیکه يك نفر طبیب ندارد ؟ به آقای وزیر داخله هم عرض کردم فرمودند که در سنه هزار و سیصد و شش يك بودجه برایش معین خواهد شد . بنده میخواهم

عرض کنم که تا سنه هزار و سیصد و شش این يك ماهه را لا اقل نامین بفرمائید . گذشته که نامین نشده از حالا از صرفه جوئی نامین بفرمائید . اگر از صرفه جوئی هم نشد بنده حاضر از حقوق خودم از حق خودم حقوق این يك ماهه را بدم که بدهند بيك نفر طبیب که برود ترشیز و استدعا میکنم آقای وزیر داخله در این قضیه فوق العاده حیاتی يك توجهی بفرمائید که اسباب رضایت صد و سی هزار نفر دعا گو باشد و حیاتشان حفظ شود .

وزیر داخله - اولاً خیلی اسباب تشکر است که آقای زوار نسبت بموکلین خودشان اینطور جدیت دارند و از قسمت اخیرش هم بنده مخصوصاً خیلی تشکر میکنم که فرمودند حاضر هستند این قسمت آخر سال را از کیسه فتوت خودشان کمک کنند و صحیبه آنجا را برای امسال اداره بفرمائید ولی البته خاطر آقا مسبوق است و خودشان خوب میدانند که با این بودجه خیلی کمی که صحیبه داشته است حقیقهً تا این اندازه اقداماتی هم که شده اگر درست تحقیق بفرمائید فوق العاده قابل تمجید است و شهدالله پیشرفتی هم که شده در ایامی است که آقای دکتر بهرامی ریاست صحیبه را داشته اند (بعضی از نمایندگان صحیح است) اگر بمؤسسات و اقداماتی که ایشان کرده اند مراجعه بفرمائید تصدیق خواهند فرمود ولی البته باید در مجلس شورای ملی حقایق همیشه گفته شود با این مبلغ قلیل و این بودجه کمی که برای صحیبه است بهیچوجه من الوجوه نمیشود آنطوری که نظر آقایان نمایندگان محترم است صحیبه همه نقاط را نامین کرد بلکه خیلی کمتر از منظور آقایان هم نامین میشود ولی عجالة يك مذاکرانی در بین هست و از طرف وزارت مالیه هم این موضوع مساعدت شده است (یعنی مساعدت بوعده هنوز بموقع عمل نرسیده) که يك محل هائی برای صحیبه پیش بینی بکنند و امیدوار هستم که این وعده ها عملی شود و امور صحیبه در نقاطی که نیست ایجاد و توسعه

پیدا کند و البته نقطه ترشیز هم که يك قسمت مهمی است منظور نظر خواهد بود و امیدوارم که در سال آتی برای آنجا هم صحیبه و لوازمی که لازم دارند فراهم شده و فرستاده شود ولی برای امسال البته تصدیق خواهید فرمود که بهیچوجه عملی نیست برای اینکه چند روز بیشتر بآخر سال باقی نمانده و غیر عملی است ولی امیدوارم کمک هائیرا که وعده داده اند عملی کنند و سال آتی برای آنجا وسایل نقاطی که صحیبه ندارد موفق بشویم و بتوانیم صحیبه بفرستیم و منظور آقایان نامین بشود

زوار - عرض کنم که بنده قبلاً بنام موکلین خودم از آقای دکتر بهرامی که حقیقهً صحیبه مملکت را بطور خیلی خوبی اصلاح کرده اند تشکر میکنم ولی فرمایشات عالی باز موکول بوعده شد بنده عرض میکنم که موکلین بنده ناخوشند آقا . دارند میمیرند .

(خنده نمایندگان)

زوار - بلی در این قبیل مواقع از این خنده ها تصور میکنم از اهمیت مجلس کاسته شود . (صدای زنگ)

رئیس - شما حق تعرض ندارید حرف خودتان را بزنید .

زوار - بلی . بنده عرض میکنم صد و سی هزار تومان که ترشیزی مالیات میدهد باید طبیب هم داشته باشد . شما میفرمائید بودجه بآنجا نمیرسد . و از شما آقایان خواهش میکنم آقا يك ملتی که صد و سی هزار تومان مالیات میدهد باید از بی طبیبی ببرد ؟ صد و سی هزار جمعیت بکنفر طبیب ندارد . معذک که باز عرض کردم که در این سال بنده خودم حاضر هستم تکفل مخارج ایاب بکنفر طبیب (خنده نمایندگان) ببخشید برای ذهاب بکنفر طبیب مخارجش را حاضر بدم از برای هذه السنه و برای سال هزار و سیصد و شش هم از آقای وزیر داخله خواهش میکنم بوعده برگذار بفرمائید و بالاخره

اگر بخواهند بوعده باشد بنده نمیتوانم بپذیرم و بالاخره همچو خواهم گفت که نمیتوانم تحمل کنم (خنده نمایندگان)

رئیس - (وزیر داخله) برای جواب سؤال آقای بامداد هم حاضرید ؟

وزیر داخله - راجع بچه موضوع

بامداد - راجع بدوا فروشها

وزیر داخله - بلی بفرمائید .

بامداد - سؤال بنده از آقای وزیر داخله راجع به

گرفتاری است که عموم مردم از دست دوا فروشان دارند . در این شهر با در این مملکت اگر يك بقالی يك روغنی بفروشد یا يك نخود و لوبیائی بفروشد و روغش از قضا در يك من دو سیر شیره داشته باشد کیس . حاکم و آژان و بلدیه بلاها بسرش در میآورند یا اگر بکنفردی نخود و لوبیایش کرد داشته باشد همینطور ولی دوا فروشان هر قدر اجحاف و تعدی نمایند تا حالا بنده که اطلاع ندارم تحقیق و تقشیر و کنترل شده باشد . از چند جهت اینها باعث زحمت شده اند یکی گرانی دوا . يك بدبختی مریض است میرود پیش طبیب يك نسخه میکرد و میرود پیش آقای دوا فروش دیگر بسته بانصاف یا بی انصافیش است قیمتش را هر چه میخواهد میکوبد و چون الفاظش فرنگی و غیر مانوس است این بدبخت هم خیال میکند که چون نمی فهمد پس دوا فروش راست میکوبد . دیگر بدی و کمنگی دوا است که خود آقای وزیر داخله و رئیس کل صحیبه تصدیق دارند که کمنگی دوا چقدر تأثیر در سرعت معالجه دارد . یکی عوضی دادن دوا است طبیب يك نسخه می دهد بعضی از آن دوا ها را دوا فروش ندارد یا دارد گران است او را رد که نمیکند دوا را میدهد و تأثیر نمیکند بعد يك نتایج سوء عجیبی دارد چون امراض بهم نزدیک است . طبیب خیال میکند مرض دیگری است شروع میکند بمعالجه آن مرض . یکی از علماء که خیلی محل وثوق

همه هست برای بنده نقل کرد که يك دوا فروشی آمد پیش من توبه کند حکایت کرد که من يك گناه عظیمی دارم و آن این است که سرمایه کمی داشتم و پنجا و پنج قلم دوا داشتم ولی هر کسی نسخه میآورد از همان ۵۰ قلم دوا میدادم این است که آمده ام پیش تو توبه کنم و حالم بد است و نمکن است بمریم . چیز غریب دیگری که بنده از اطباءى حافظ و محترم با نهایت تأثر شنیدم این است که کم کم سفارش میکنند بکارخانه که در آنجا دوا را عوضی درست بکنند . آخرین کاری که يك مریضی فی الجمله ماهر و با اطلاع است میکند این است که میگوید يك دوائی بده که بسته فرنگ و نمره فرنگ را داشته باشد . اینها آنجا سفارش میکنند و حالا اگر علنی بگویم يك قسمتش مربوط است بیک عده از دوا فروشهای کلیمی و البته هم در خارج گرفتار آقای دکتر لقمان خواهم شد و باز میگویند فلان يك قسمتش از همین آقایان محترم کلیمی ها هستند و باسم و رسم برای بنده نقل کرده اند به آنجا سفارش میکنند سؤال میکنم که آیا در این باب اقدامی کرده اید ؟ يك تفهیمی کرده اید ؟ يك جلو گیری که مردم از این ترتیب خلاص و نجات یابند شده است یا نه ؟

وزیر داخله - خاطر محترم آقایان مسبوق است تا چند سال قبل طب جدید در ایران کمتر رواج داشته و همان اطباء قدیم با همان دوا های معمولی خودمانی کل گاو زبان . شیر خشک و این قبیل چیز ها معالجه میکردند . يك دوا فروشانی که در حقیقت عطار های قدیمی بودند دوا فروش بودند

مدرس - زنها هم آنوقت دوا فروش بودند . وزیر داخله - هر قدر که طب جدید بیشتر توسعه پیدا کرد آن عطار های قدیمی هم یواش یواش دوا های جدید را زیاده تر خرید و فروش میکردند .

تا چند سال قبل اگر ملاحظه میفرمودید يك قسمت از دکاکین دوا فروشی ادویه قدیمی بود . يك قسمتش

از ادویه جدید از قبیل کهنه کهنه . آنتی پیرین . و آن چیز هایی که اسمش را میدادند . آنها هم هیچکدام تحصیل نکرده بودند و البته دوا فروش هم که تحصیل نکرده باشد نمیشود زیاد ازش توقع داشت که چرا فلان دوا را عوضی داده یا دواي کهنه استعمال کرده . با چرا دواي بی ربط داده (اگر چه البته باید این نکته را هم عرض بکنم که در طهران و بعضی شهرها يك عده دواساز تحصیل کرده مجرب خوب هم بودند که آنها هیچوقت نه دواي کهنه میدادند و دواي اشتباهی هم نمیدادند ولی این البته بطور کلی و عمومی نیست) برای اینکه مدرسه دواسازی نداشته ام مدرسه دواسازی اخیراً تاسیس شده و تا کنون هم بیش از يك دوره شاگرد بیرون نداده است البته نواقصی هم دارد که امیدواریم با جدیت آقای وزیر معارف رفع نواقص این قسمت هم بشود و تکمیل گردد . همچنین آقایان البته مسبقاًند که امر دواسازی تا کنون يك قوانین و نظامانی نداشته که اگر گران فروخت یا ارزان فروخت یا کهنه بود یا بد بود چه جور معامله با او بکنند ولی اخیراً در ضمن آن نظامنامه هائی که برپیش اینجا عرض کردم که صحیح کل حاضر کرده است و عنقریب هم برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی میشود يك قسمت هم مربوط بهمین دواسازهاست علاوه بر این صحیح در نظر دارد يك دواخانه خیلی بزرگ مهمی در طهران در تحت نظریه شیمیست متبحری تاسیس کند که از هر جهت بتواند سرمشق شود برای کلیه دواسازها از حیث خوبی دوا و از حیث قیمت و هم از حیث سایر جهات و امیدوارم از سال آتی صحیح موفق شود که این قدم ها را بردارد ولی اساساً نواقصی در کار هست و همینقدر که ان نظامنامه (که عرض کردم) تهیه شد و تقدیم شد و بتصویب کمیسیون داخله رسید رفع نگرانی کاملاً از این حیث فراهم خواهد شد .

بامداد - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

بامداد - عرض کنم سؤال بنده چند قسمت بود

آقای وزیر داخله یکی دوايش را جواب دادند و آنرا هم موکول کردند باینکه نظامنامه مرتب نیست و نظامنامه باید بنویسیم در صورتیکه وزارت معارف نظامانی برای اینکار داشت و دوا فروشی که غیر مجاز بود نمیتوانست دواخانه داشته باشد مذهب است اجازه میکنند . فقط بیست و چهار قلم دوا به عطار ها اجازه فروش داده اند تمام دوا فروشان که خدای نکرده مجازند و تمام تصدیق دارند بقال که نظامنامه در این مملکت ندارد . اگر کم فروخت پدرش را در میآورد خوب اگر نظامنامه ندارند چرا رسیدگی نمیکند که اینها انقدر گران نفروشدند . این قسمتها وقتی مدرسه دواسازی و نظامنامه تهیه شد درست میشود ؟

وزیر داخله - عرض میکنم جواب سؤال اقارای همه اش را عرض کردم موضوع سؤال راجع به ترتیب دواخانه ها و کهنگی دواها و گران فروختن بود این را هم که فرمودند يك اجازه هائی در دست دارند همان اجازه ها صحیح نیست يك دواسازی که در مدرسه تحصیل نکرده و دیپلم نکرده اجازه چه ؟ البته با اجازه داده شده است که این شخص در ضمن تجربیاتی که کرده امروز میتواند دوا فروش بشود . این فرق است با اینکه شیمیست باشد قسمتی را که بنده عرض کردم این بود اشخاصی که از مدرسه بیرون میآیند شیمیست باشند یعنی بتوانند دوا بسازند . دوا ساز باشند تا دوا فروش باشند خیلی فرق است ولی اینکه فرمودند اگر حالا يك تجاوزانی بشود جلو گیری نمیشود خیر حالا هم جلو گیری میشود محض اینکه راهی برسد جلو گیری میشود و بنده هم سراغ ندارم يك راهی رسیده باشد و تعقیب نشده باشد

رئیس - آقای دکتر لقمان

دکتر لقمان - در موضوع فرمایش آقای بامداد که فرمودند دوا فروشهای کلیمی این کار را میکنند بنده گمان نمیکم اینطور باشد . جماعت دوا فروش کلیمی با کمال صمیمیت و صحت عمل و درستی دوا فروشی میکنند و

ابداً اینطور که فرمودند نیست ولی اگر در کارخانه يك ترتیبانی بشود از طرف کلیمی ها بوده و آنها با يك صحت عمل تمامی دوا را بفروش میرسانند و اگر باحصائیه دواخانه ها مراجعه کنید يك چنین چیزهایی از دواخانه های کلیمی بیرون نیامده که دواي بد و دوائی که خطرناک باشد بدهند .

جمعی از نمایندگان - دستور .

رئیس - وارد دستور شویم ؟

بعضی از نمایندگان - بلی .

رئیس - سه فقره خبر از کمیسیون مرخصی رسیده

است قرائت می شود رأی می گیریم بعد وارد دستور

می شویم . راپورت مرخصی آقای پالیزی .

(شرح ذیل خوانده شد)

آقای پالیزی نماینده محترم کرمانشاه برای اصلاح و رسیدگی بامورات شخصی تقاضا نموده اند که از تاریخ ۲۵ رمضان الی سه ماه اجازه غیبت و مسافرت بطرف کرمانشاه بایشان داده شود کمیسیون عرایض و مرخصی پس از مطالعه و مذاقه در دلایل ایشان عذرشان را موجه دانسته و دو ماهه تصویب مینماید که غایب با اجازه منظور شود .

رئیس - آقایانیکه مرخصی دو ماهه آقای پالیزی را

تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . خبر مرخصی آقای اسعد .

(اینطور خوانده شد)

آقای محمد تقی خان اسعد نماینده محترم برای زیارت و تشریف بعثات مقدسه تقاضای یکماه مرخصی از روز حرکت نموده اند کمیسیون عرایض و مرخصی با يك ماه مرخصی ایشان از تاریخ ۱۸ اسفند - ۵ موافقت نموده اینک خبر آن را تقدیم مینماید .

رئیس - آقایانیکه با مرخصی یکماهه آقای اسعد از

هیچدم اسفند موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رایورت مرخصی ده روزه آقای حاج آقارضا رفیع

(بترتیب ذیل خوانده شد)

آقای حاج آقارضا رفیع نماینده محترم برای رفع خستگی و قصد زیارت و تشریف بحضرت معصومه سلام الله علیها تقاضای ده روزه مرخصی نموده اند کمیسیون عرایض و مرخصی با تقاضای ایشان از تاریخ ۲۶ اسفند ۵ موافقت نموده و خبر آنرا بعرض مجلس شورای ملی می‌رساند

رئیس - آقایانیکه با مفاد این خبر موافقت قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. اصلاحاتی که راجع بماده یازده بانك رسیده بود قرائت میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۱ بترتیب ذیل نوشته شود:

نظامنامه تشکیلات داخلی بانك و همچنین نظامنامه مذکوره در ماده (۵) از طرف رئیس بانك تهیه شده با امضای وزارت مالیه بتصویب هیئت وزراء رسیده بموقع اجرا گذاشته میشود (عدل)

رئیس - آقای عدل

میرزا یوسف خان عدل - در جلسه پریشب توضیحات لازم را دادم حالا هم عرض میکنم که اینجا نوشته است: نظامنامه تشکیلات داخلی بانك و همچنین نظامنامه مذکوره در ماده ۵ از طرف وزارت مالیه تهیه شده و پس از تصویب شورای دولتی و هیئت دولت بموقع اجرا گذاشته شود. عرض کردم که اولاً این عبارت يك قدری غلط است (گذاشته شود) (گذاشته خواهد شد) یا (گذاشته میشود) باید بشود. علاوه اینکه مینویسند این نظامنامه در وزارت مالیه نوشته

میشود بنده مخالفم و عرض من این است که ما سالی دوازده هزار دلار بیک نفر متخصص میدهیم که بیاید و این بانك را اداره کند بعد از آنکه ما متخصص داریم اگر وزارت مالیه این را خودش می‌توانست اداره کند با از افراد فعلی وزارت مالیه می‌توانستند این کار را بکنند لازم نبود که از امر يك مستخدم بیاوریم ما این متخصص را می‌آوریم برای اینکه جزئیات امر را اودخالت بکند. نظامنامه بنویسد منتهی این است که آن نظامنامه مطابق قانون باید بنظر رئیس و وزیر مالیه و هیئت وزراء برسد و بعد از تصویب عملی شود بنده میگویم وقتی که این متخصص آمد اگر يك نظامنامه حاضر را بگذارند جلوی او و بگویند از روی این عمل کن بنده تصور میکنم عملی نباشد. این است که بنده عقیده دارم نظامنامه باید از طرف متخصص بانك نوشته شود و با امضای رئیس مالیه و امضای هیئت دولت هم برسد.

فهمی (خبیر کمیسیون قوانین مالیه) - در ماده قبل تصویب شد که بیک نفر متخصص برای بانك بیاید این متخصص باید کاملاً در تحت نظر وزارت مالیه باشد وزارت مالیه خودش مسئول است در قانون اختیارات دکتر میلیسوم ذکر شده است که باید نظامنامه و لوایح قانونی را وزارت مالیه تهیه کند. بدیهی است وقتی که ما مینویسیم که نظامنامه را بایستی وزارت مالیه بنویسد لابد با نظر رئیس کل مالیه و متخصص تهیه میشود ولی در مواد قانون که ما بنظر متخصص و اگذار کنیم و هم چا متخصص ذکر کنیم گمان میکنم بر خلاف قانون است. مسئول مجلس و مسئول اجرای قانون وزیر است. ما باید همیشه در قوانین خودمان و وزراء خودمان را مسئول قرار بدهیم و در قانون هم هست که در لوایح مربوطه وزراء باید مشاوره کنند و لوایح را تهیه نمایند بنا بر این وقتی بنویسیم «وزارت مالیه» بعقیده بنده کافی است حالا بسته بنظر مجلس است.

رئیس - رای گرفته میشود.

زعیم - مجدداً قرائت شود.

(بمضمون سابق قرائت شد)

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای طاهری دیگر موضوعی ندارد. با سایر پیشنهادها مراجعه میشود بکمیسیون. ماده دوازده قرائت میشود.

(بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۱۲ - این قانون از تاریخ تصویب در ظرف شش ماه بموقع اجرا گذاشته میشود و وزیر مالیه مأمور اجرای آن است.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده همان طور که در ماده یازده عرض کردم نظامنامه که نوشته میشود باید بنظر وزارت مالیه و وزارت فوائد عامه باشد. اساساً این مطلب چنانکه در مجلس مکرر صحبت شد برای مسائل اقتصادی است که عبارت از تجارت و فلاح و صناعت باشد ما این بانك را تشکیل میدهیم که وزارت فوائد عامه روح زرقی را در ایران ایجاد کند که عبارت از فلاح و تجارت و صناعت باشد. وقتی که مقصود بالذات این شد و مقصود این است چرا نوشته است مأمور اجرا وزیر مالیه است بنده میخواهم از آقای خبیر محترم تقاضا کنم که باینده مساعدت کنند که مأمور اجرا هم وزارت مالیه و هم وزارت فوائد عامه باشند. چرا؟ برای خاطر اینست که اگر همان جوری که خودتان ملاحظه فرمودید در وزارت مالیه برای جریان کار يك اشکال زائی می‌کنند اگر وزارت فلاح و تجارت درین قسمت با او شریک شد آنگاه تحت نظر و مسؤولیت هر دو اجرا میشود و این نظری که مجلس دارد و تمام ایران متوجه آن

هستند که زرقی تجارت و صناعت باشد نامین میشود. مثلاً این مساعدتی که ما با کارخانه اصفهان کردیم اطلاع میدهند بقدری برایش اشکال زائی شده است که چه عرض کنم. گمان میکنم درین قسمت نظر این باشد که حتماً در تحت تفتیش مالیه باشد. این بسیار خوب است اما اگر وزارت مالیه و فوائد عامه مأمور اجرای این باشند منافع بیشتری عاید میشود و از این نقطه نظر است که بنده عرض میکنم که منحصر بوزارت مالیه تنها نباشد. خبیر - اینکه در ماده اول ذکر شده است بانك برای فلاح و تجارت و صناعت است. اگر بر ابرت وزارت فوائد عامه مراجعه کنید معین کرده است که بانك يك مبلغی برای مؤسسات فلاح و تجارتی باید خرج کند ولی خود بانك داخل درین عمل نمیشود. بانك يك مؤسسه است که دولت پولی در آنجا میگذارد برای اینکه با اطلاع فوائد عامه در مواقعیکه میخواهند اقدام بیک کار عام المنفعه بکنند یعنی از بانك قرض کنند ولی دیگر وزارت فوائد عامه مداخله در کار بانك ندارد اگر يك بانگی میبود که از روی قانون سهامی شرکتها تشکیل میشود مداخله تجارتی داشت وزارت تجارتی میبایستی مداخله کند ولی اصلاً بانك بانك دولتی است. سرمایه سرمایه دولت است بنابراین فقط وزارت مالیه میتواند در بانك نظارت داشته باشد و مأمور اجرا باشد در قسمتهای دیگر که قرض خواهند داد برای کارهای عام المنفعه البته مصرف آن و جوره با اطلاع و در تحت نظارت و مسؤولیت وزارت فوائد عامه خواهد بود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رای گرفته میشود بماده دوازدهم آقایانیکه

ایجاب را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده پنج و هشت که مراجعه

شده بود بکمیسیون. خبرش رسیده است ولی تطبیع نشده است

اشکالی ندارد قرائت شود؟

بعضی از نمایندگان - خبر مانعی ندارد.

رئیس - قرائت میشود

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده پنج - بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند باستثنای مواردی که در ماده شش ممنوع گشته پول قرض بدهد مشروط بر اینکه قروض مزبور بوسیله اموال معتبره اعم از منقول و یا غیر منقول و با امضای شخص و یا اشخاصی که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد و یا مؤسسات معتبره تضمین گردد، شرایط قبول ودیعه بارهن و دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد

تبصره - کلیه قروضیکه باعتبار اموال داده میشود نباید

از ثلث سرمایه موجود بانک تجاوز نماید

رئیس - آقای بامداد

بامداد - مخالفت بنده با يك كلمه این ماده است که در موقعی که شور اولش هم بود همین مخالفت را کردم و پیشنهاد هم دادم و آن امضاء اشخاص و مؤسسات معتبره است البته مادام که کسی عدم اعتبارش معلوم نشده باشد بحکم اسلام بحکم هر قانونی باید او را معتبر دانست مثلاً يك ملك با اعتبار با سایر این قبیل مفاهیم در دنیای امروز مادامی که تحت رسمیت نیامده باو اهمیت مرتب نیست البته مخیر محترم دفاع خواهند فرمود که امروزه در دنیا وجه نقد خیلی کم است تمام چك است و امضاء و از این قبیل ولی البته هر قانونی بر حسب وضعیت همان مملکت تدوین میشود. در مملکت ما اعتبارات هنوز در تحت رسمیت نیامده است يك شخصی خیلی معتبر است و معروف هم هست که چنین است، چنان است، میلیونها سالی صد هزار تومان عایدات ملك دارد ولی اعتبارش تحت رسمیت نیامده و دولت تصدیق نکرده است، در مملکت ما رسمیت

اعتبار هنوز جریان پیدا نکرده است، چنانکه يك ملك مادامی که پشت اسناد رسیده باشد و دولت تصدیق نکرده باشد ملکیت او برای صاحبش در معرض هزار گزند و خطر و این قبیل چیزهاست، این مؤسسه بانک را که میخواهیم تاسیس کنیم يك مؤسسه حیاتی برای مملکت است، ما اگر هر قدر دائره اش را ضیق بکنیم که بماند بهتر از این تسهیلات است که خدای نکرده لطمه باطلش وارد شود ماندن این بانک با اینکه يك مرحله اولی است برای ما حیاتی است اگر برود حقیقه لطمه با بروی ما میزند، بنا بر این اگر ما امضاء ضامن معتبر را اینجا حذف کنیم ضرری ندارد. بجزبان که افتاد بعد از يك مدتی قانون است. دست خود مان است می آیند میگویند الحمد لله اعتبارات هم معلوم شده، قضا با هم رسمی است اگر امضاء معتبر را قبول کنند اهمیت ندارد، يك لایحه می آورند و امضای ضامن معتبر را هم قبول میکنیم ولی فعلاً ما هر قدر در ضبط این مؤسسه سعی بکنیم بهتر از این است که تسهیلی بنمائیم که خدای نخواسته خطر باطلش متوجه شود!

رئیس - آقای حائری زاده پیشنهاد کرده اند که

این خبر طبع و توزیع شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - مخالی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - پس مواد الحاقیه قرائت میشود.

آقا سید یعقوب - ماده هشت.

رئیس - ماده هشت هم همین صورت را دارد. ماده

الحاقیه پیشنهادی آقای احتشام زاده

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه - دولت مکلف است پس از یکسال از

تاریخ تاسیس بانک کلیه وجوه ودایع خود را از بانکهای دیگر به بانک ملی منتقل نماید.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - عرض میکنم این قضیه خیلی بدیهی و مسلم است تا موقعیکه دولت ایران بانک نداشت البته استفاده هائی که ممکن بود از وجوه ودایع بشود نمیشد. امروز دولت ایران يك ودایعی دارد در بانکهای خارجی و بانکهای خارجی يك استفاده هائی از آن میکنند و دولت هم يك استفاده های جزئی میکند بنده معتقدم این قبیل استفاده ها را پس از تاسیس بانک ملی ایران باید این بانک بکند. استفاده هائی که میکنند چند قسم است ولی يك مبلغ خیلی خیلی بعنوان منافع بدون میدهند در صوریکه يك منافع خیلی زیادتری از این وجوه میبرند مطابق حساب جاری که در بین هست آن پولی را که میگیرند با يك نرخ کمی منفعت میدهند و در مقابل آن پولی که میدهند يك منفعت زیادی میگیرند و از این جهت دولت از این وجه يك منفعت خیلی کمی میبرد باین جهت بنده معتقدم پس از اینکه بانک تاسیس شد و بجزبان افتاد و اطمینان پیدا کردیم که بانک میتواند از آن وجوه استفاده کند آن وقت باید دولت مکلف باشد که این وجوه را بانجا منتقل نماید

مخبر - اصل مطلب مخالفتی ندارد و مسلماً وقتی بانک

بجزبان افتاد و داخل معامله شد باید دولت هم معاملانش با این بانک بشود اعم از وجوه ودایع با سایر وجوه دیگر. لیکن يك سالی را که معین کرده اند ابداً کافی برای این کار نیست. زیرا ششاه پیش بینی شده برای آنکه بانک تاسیس شود تا رئیس بانک و متخصص اینکار بیاید اقداماتی که برای مقدمات بانک لازم است تهیه کند و بانک را باز کند از شش ماه تجاوز خواهد کرد وجوه عجله کم یا زیاد بالاخره يك منافی بدون میدهند و تا وقتی که بانک بتواند آن وجوه را در جریان بیندازد و منافی بدون بدهد و وسائل تامین و نگهداری آن را معین کند صلاح نیست اینکار را بکنیم بنا برین بنده تعیین يك سال را غیر کافی میدانم ولی فقط بدون تعیین

مدت در ضمن يك ماده ذکر کنند بهتر است.

احتشام زاده - بنده یکسال را دو سال پیشنهاد میکنم.

وزیر مالیه - بنده آن روز يك توضیحاتی بیعضی از آقایان که این نظر را داشتند عرض کرده بودم حالا هم لازم میدانم که بطور کلی و بدون اینکه داخل در جریان شده باشم يك تذکری بدهم که این ودایع که در بانک هست البته نباید بدون نتیجه برای دولت باشد ولی يك بانک جدیدی که تاسیس میشود. بدیهی است نمیتوان پیش بینی کرد که این بانک يك بصیرتی میتواند پیدا کند که يك ودایع مهمی که پیش او هست بکار بیندازد بطوریکه خسران و ضرری اصولاً از بکار انداختن این وجوه عاید نشود. پس اگر آقایان این نظر را داشته باشند در حقیقت لازمه اش این خواهد شد که این ودایع در این بانک بیکار بماند که از هر نوع طعمی مصون باشد و تا وقتی که بانک تجربیات کاملی از معاملات بزرگ و مهم نتواند پیدا کند هیچ استفاده نمی تواند بکند. اگر مقید باین باشد که این وجوه را در يك محلی بطور را که نگاهدارد که از هر گونه خطر احتمالی آن وجوه مصون باشد البته بنده یقین دارم که آقایان این نظر را ندارند که يك مبالغ مهمی بدون نتیجه در يك جائی معطل شود و بنده همان طور که عرض کردم عقیده دارم در این لایحه این قسمت را مسکوف بگذاریم. همان طور که آقای بامداد در قسمت اظهار خودشان گفتند این قوانین که از اینجا میگذرد همیشه مورد اصلاح و تکمیل از طرف مجلس و دولت میتواند باشد. این را فعلاً مسکوف بگذارید تا در موقع خودش که چرخها بجزبان افتاد آنوقت هر ترقیبی که مقتضی باشد پیشنهاد بفرمایند.

رئیس - آقای خواجوی.

خواجوی - بانک شاهنشاهی که تقریباً متجاوز از چهل سال است تاسیس شده است

در مملکت ایران قریب بیست سال طول کشید تا شعبش را در ایالات و ولایات تشکیل کرد چنانکه در مازندران سه سال قبل شعبه فرستاد حالا چگونه میشود يك بانگی که جدیداً میخواهد تاسیس شود و هنوز شعبات خودش را تاسیس نکرده و معاملات خودش را جریان نداده تمام وجوهات دولتی و ودایع را بگذارد در آنجا؟ اینها تماماً بضرر دولتست و نمیتواند از او استفاده کند بدیهی است بانك وقتی که تمام شعباتش را تاسیس کرد در مملکت و تمام اموراتی را که قانون باو اجازه داده است جریان داد آن وقت میتواند استفاده ببرد و مجلس شورای ملی يك ماده قانون بگذراند و ودایع دولتی را منتقل کند بآنجا و الا پنج سال بعد از تاسیس هم انتقال بدهند به آنجا تماماً ضرر دولت می شود و استفاده از آن برده نمی شود.

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن ماده الحاقیه پیشنهادی آقای احتشامزاده

شیروانی - يك اصلاحی پیشنهاد شده است .
رئیس - ایشان ماده را پیشنهاد کرده اند .
احتشام زاده - بنده خودم اصلاح میکنم ، دو سال پس از تاسیس نوشته شود .

رئیس - رأی میگیریم باین ماده با تبدیل یکسال بدوسال اقبایانیکه قابل توجه میدانند قیام بفرمایند .
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد . ضمیمه ماده الحاقیه .
(بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که این جمله بر ماده الحاقیه اضافه شود و همچنین باید تمام محاسبات و معاملات جاری دولت و ادارات بلدیها با این بانك باشد . بامداد

رئیس - آقای بامداد
بامداد - ودایع يك عنوان است . محاسبات و

معاملات جاری يك عنوان . با اینکه دفاع شاهزاده وزیر مالیه را قبول کنیم که ودایع را نمی توان باین زودی باین بانك سپرد که شاید بتواند آن را بکار بیندازد ولی این قسمت مانعی ندارد و بطریق اولی میشود معاملات جاری دولت و بلدیها با این بانك باشد و پول از آنجا بگیرند و قبض و اقباض کنند این هیچ مانعی ندارد وزیر مالیه - البته این بانك يك بانك دولتی است و خود دولت در آن ذی نفع است و پول باو میدهد و هیچ محل زدید نیست که دولت میخواهد معاملات خودش را باو بکند و کارهاش را بتوسط این بانك انجام بدهد ولی من از آقا سؤال میکنم که آیا منطقی هست که در قانون ما دولت را ملزم کنیم بلدیها را که مؤسسات ملی هستند مجبور کنیم که حتماً مثل اینکه هیچ نوع حساب دیگر با جای دیگر نداشته باشند معاملات خود را باین بانك بکنند؟ آخر فکر بفرمائید باید قانون طوری باشد که در عمل دچار اشکال نشود ناقابل اجراء باشد این پیشنهاد هم ممکن است مشکلاتی تولید کند بنا بر این این قیید در قانون لازم نیست ، دولت عملاً این کار را خواهد کرد .

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام بفرمایند .
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد ، ماده الحاقیه . دیگر
(بشرح آتی قرائت شد)

ماده الحاقیه - در هر موقعی که بانك ملی در نتیجه توسعه عملیات بتواند از قبول وجوه ودایع دولت و بکار انداختن آن استفاده نماید و برای دولت نیز استفسادات معموله نامین شود دولت مکلف است که وجوه ودایع خود را کلاً یا جزاً باین بانك ملی ابراب منتقل نماید .
شریعت زاده .

رئیس - کو بادبکر این پیشنهاد مورد نداشته باشد .

مخبر - ارجاع شود بکمیسسیون .

رئیس - ارجاع میشود بکمیسسیون پیشنهاد آقای طاهری
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم .
ماده الحاقیه - دولت مکلف است پس از تاسیس بانك در مرکز و ایالات وجوه ودایع خود را منتقل باین بانك نماید و همچنین معاملات صرافتی از قبیل خرید و فروش بروات برای انتقال وجوه از محلی بمحل دیگر و محاسبات جاریه خود را منحصر با بانك ملی ایران قرار دهد .

رئیس - آقای طاهری .

دکتر طاهری - این پیشنهادی که بنده کردم محظوری را که آقای وزیر مالیه اظهار کردند ندارد . بنده پیشنهاد کردم پس از آنکه بانك در مرکز و ایالات شعباتش را دایر کرد آن وقت ودایع دولت منتقل باین بانك شود که محاسبات جاری و معاملات دولت هم منحصر با این بانك باشد تصدیق بفرمائید که در سنه آتی بودجه مملکتی یعنی عایدات دولت که بالغ بر هفتاد و يك کروار است قسمت مهم این وجوه یعنی تمام آن باستثنای يك جزئی که در مرکز است باید از ایالات و ولایات بیاید در مرکز و در يك بانك یا خزانه داری تمرکز پیدا کند خرید و فروش بروات بطور کلی باید با این بانك باشد که يك صرفه کلی از این حیث هم برای دولت و برای قاطبه مردم حاصل شود .

و اینکه فرمودند این بانك فوری نمی تواند دایر شود . پیشنهادی که بنده کرده ام این است که پس از تاسیس شعب این بانك در ایالات و ولایات وجوه ودایع خود را منتقل نماید و معاملات دولت هم با این بانك صورت بگیرد . هر جا که شعبه دارد نماینده تعیین میکند و خرید و فروش بروات بتوسط آن نماینده میشود .

بعقیده بنده بهتر این است که این پیشنهاد قبول شود چون عملی تر و نافع تر است

رئیس - پیشنهاد آقای میرزا عبدالله خان وثوق

رئیس - قسمت اولش که رای داده شد : راجع
بقسمت ثانی آقای مخبر اظهاری دارند ؟

مخبر - بفرستید بکمیسسیون مطالعه شود راجع به این ماده ایست که پیشنهاد شد .

رئیس - ماده دیگر پیشنهاد آقای افشار
(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ذیل را بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد میکنم :
ماده الحاقیه - دولت مکلف است در هر نقطه که شعب بانك دایر شد کلیه عواید مالیاتی را تحویل شعبه مزبور نموده و مصارف دوائر محلی را نیز از طریق مذکور حواله و پرداخت نماید

رئیس - آقای افشار

افشار - بطوری که خاطر محترم آقایان مستحضر است فعلاً وزارت مالیه در هر نقطه عواید دولتی را مأخوذ میدارد بشعبه بانك تحویل میدهد و شعبه بانك فقط تلگرافی با اداره مرکزی میکند که در فلان نقطه فلان مبلغ مأخوذ شد و مخارج محلی را بوسیله پیشکار مالیه در همان محلی که تاسیس شعب بانك شده است پرداخت مینمایند مازادی که میباید از آن پول دولتی که در محل است مبالغی صرف میگیرند و بمرکز حواله میکنند و در هر جا هم که شعبه بانك نیست بتجار میدهند و با دادن مبلغی صرف در مرکز از نماینده آن نجات میگیرند . وقتی که بانك يك شعبی در ایالات و ولایات پیدا کرد یکی از وظایف این بانك هم پیشرفت امر تجارت است بایستی عواید دولتی در هر محلی که شعبه بانك دایر شد بشعبه همان بانك داده شود و منافعش هم از همان طریق باین بانك پرداخته شود

مخبر - این ماده هم تقریباً در زمینه همان پیشنهاد آقای دکتر طاهری است . بایستی بکمیسسیون بیاید و تکلیفش معلوم شود

رئیس - پیشنهاد آقای میرزا عبدالله خان وثوق

(باین مضمون قرائت شد)

ماده الحاقیه ذیل را بنده پیشنهاد مینمایم
وزارت مالیه مکلف است حق الامکان اعضاء بانک
ملی را از منتظرین خدمت وزارتخانهها که واجد شرایط لازمه
باشند انتخاب نماید

رئیس - آقای میرزا عبدالله خان وثوق

میرزا عبدالله خان وثوق - بنده زردبندی داشتم که وزارت مالیه
بانک ملی را یکی از ادارات کشوری تصور خواهد کرد
یا اینکه خیر تصور می کند مؤسسه جداگانه ایست. در
صورتیکه قسمت اول محرز باشد یعنی بانک ملی هم جزو
یکی از ادارات کشوری است و مستخدمین بانک هم
مشمول قانون استخدام هستند البته سزاوار این است
که اعضاء دفتریش و محاسباتش مطابق نظامانی که دارند
از منتظرین خدمتی که واجد آن شرایط هستند استخدام
شوند و اگر چنانچه جزو ادارات کشوری محسوب نشود
باز هم اولی این است از منتظرین خدمت کسانی که
واجد شرایط نظامنامه این بانک هستند و میتوانند در
این بانک مشاغل نحو بیل داری و محاسباتی و غیر ذلك
مشغول باشند در بانک مشغول خدمت شوند

مخبر - انظر آقای وثوق البته خیلی عالی است. بنده
هم احساسات ایشان را نسبت بمنظرین خدمت تشکر
می کنم لکن این ماده مربوط ببانک نیست. باید يك
ترتیب دیگری فراهم بیاورند که این عمل اجرا شود

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد
آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شریعت زاده
(بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه - پس از تصویب قانون فروش خالصجات
و جواهرات و پرداخت سرمایه اصلی بانک مبلغ پنج
میلیون سرمایه ابتدائی که بر طبق ماده دوم این قانون

پرداخته میشود قابل استرداد نبوده و باید بر سرمایه
اصلی بانک اضافه شود

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - البته آقایان نمایندگان محترم مستحضرد
که برای اینکه کار های بانک بجزریان بیفتد قبل از
فروش خالصجات و جواهرات مجلس شورای ملی اجازه
داده است که يك سرمایه ابتدائی ببانک داده شود و
از این منظور مفهوم میشود که بعد از پرداخت سرمایه
اصلی ممکن است این مبلغ قابل استرداد باشد از اینجهت
بنده این پیشنهاد را کردم که بالصراحه قابل استرداد
نیست و بر سرمایه اصلی بانک افزوده میشود

مخبر - این ماده را هم بکمیسون ارجاع بفرمائید

رئیس - آقای مخبر میل دارند تکلیف ماده هشتم هم
معلوم شود. قرائت میشود اگر اشکالی ندارد رأی میگیریم
شیروانی - اشکالی ندارد قرائت شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده هشتم - رئیس بانک هر ششماه بکمرته خلاصه
عملیات و اقدامات بانک را بوزارت مالیه راپرت میدهد
و در آخر هر سال خلاصه حساب (بیلان) آن را
منتشر مینماید بعلاوه بکنفر مفتش برحسب پیشنهاد وزارت
مالیه و تصویب هیئت وزراء برای نظارت در جریان
امور و معاملات بانک معین میشود

تبصره - وظائف مفتش بموجب تصویب نامه هیئت
وزراء معلوم خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خواستم نسبت بمطرح شدنش
عرض کنم اینجا پنج دقیقه قبل خودتان فرمودید که
آقای حائری زاده پیشنهاد کرده است طبع و توزیع شود
حالا اگر مخالفت با آن مسئله ندارد بنده عرضم را
عرض کنم چون حضرت رئیس که فرمودند مجلس قبول
کرد پنج دقیقه بیشتر بنا شد طبع و توزیع شود. حالا

اگر مخالفت با آن فرمایش و عنوان رأی مجلس نداشته
باشد بنده مخالفم را عرض کنم

رئیس - بنا شد آن اولی طبع و توزیع شود این را
هم اگر میل دارید بماند تا طبع شود
بعضی از نمایندگان - محتاج نیست

رئیس - حالا اگر مخالف هستید بفرمائید

آقا سید یعقوب - عرض می کنم يك مسئله در
نظامنامه است که هر چیزی که در مجلس میخواهد شور
شود باید قبلا طبع و توزیع شود بنده میخواهم اساس
این مسائل کاملا مراعات شود و ازین زود و این
عبارت که نوشته شده است (وظیفه مفتش را باید هیئت
وزراء معین کنند) بنده هیچ نمیدانم هیئت وزراء که
عنوان ندارد که وظیفه مفتش را بیان کند. ما که در
قانون مامور کردیم وزارت مالیه را که نظامنامه بنویسد
ابدا عنوان هیئت وزراء در بین نبود حالا آمده اند
و وظیفه مفتش را میگویند هیئت وزراء بنویسد. بنده
مخالفم. باضافه آن قسمت دیگرش را هم چون يك دفعه
قرائت کردند بعضی جاهش بگوشم خورد که شبهه دارم
و اگر مجلس موافقت کند که طبع و توزیع شود بعقیده
بنده بهتر است

رئیس - رأی میگیریم باینکه مطرح بشود یا نشود
آقایانی که با مطرح شدن موافقت قیام بفرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. میباید برای جلسه دیگر
اجازه میفرمائید چند دقیقه تنفس داده شود؟

بعضی از نمایندگان - صحیح است
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از
بیمساعت مجددا تشکیل گردید)

رئیس - خبر کمیسیون معارف راجع بتعلیمات عمومی
جزو دستور است لکن آقای عدل پیشنهاد کرده اند لایحه
خالصجات جزء دستور باشد

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود در واقع فروش خالصجات
ضمیمه لایحه بانک است یعنی این دو قانون طوری بهم مربوطند
که اگر این تمام شود آهم باید بگذرد که سرمایه
بانک معلوم شود. حالا وضعیت خالصه طوری است
که معطل است و نمیدانند الان چطور آن را اداره
کنند. اجازه بدهند بفروشند چه بکنند. بنا بر
این بعقیده بنده باید جزء دستور بشود وزودتر تکلیفش
معین شود رد شود یا قبول. علی ای حال بنده لازم
میدانم وزودتر تکلیف این مسئله معلوم شود.

وزیر معارف - اجازه می فرمائید؟ البته بانک

ملی بی سرمایه ممکن نیست تاسیس بشود و جریان
پیدا کند ولی از طرفی هم آقایان باید تصدیق بفرمایند
که معارف و مدارس هم بدون پول ممکن نیست راه
بیفتد و اگر چنانچه آقایان موافقت بفرمایند با این
لایحه تعلیمات ابتدائی که زود تر تصویب شود ممکن
است وزارت معارف هم زودتر اقدام کند ولی هر قدر
تعویق بیفتد بهمان درجه وزارت معارف هم نمیتواند کار کند
مدرس - ممکن است این در درجه اول باشد بعد
لایحه خالصجات.

عدل - اجازه میفرمائید بنده هم موافقت میکنم که
لایحه وزارت معارف در درجه اول باشد بعد لایحه
خالصجات مطرح شود.

رئیس - این لایحه بنظر يك شوری میآید اگر آقایان
عقیده دیگری دارند بفرمائید. آقای یاسائی

یاسائی - بعقیده بنده این لایحه خرج است و يك
شوری است تمام موادش هم مربوط بخرج است و میدانیستی
اصولاً هم رفته باشد بکمیسون بودجه ولی چون کمیسیون
بودجه مواد تنظیم شده کمیسیون معارف را تصدیق کرده
است همان حکم را دارد ولایحه يك شوری است و باید
يك شور شود

رئیس - در يك شوری بودنش که مخالفی ایست ؟
(گفته شد - خیر)

رئیس - يك شور میشود . مذاکرات فعلا راجع بکلیات است . آقای آقاسید یعقوب
آقاسید یعقوب - بنده مخالفت ندارم .

رئیس - آقای بیاب

مرضی قلی خان بیاب - بنده خیلی خوشوقت هستم که امشب لایحه تعلیمات عمومی در مجلس مطرح است و حقیقه یکی از آرزو های بزرگ ملت ایران این بوده که این مسئله در مملکت عمومیت پیدا کند و در تمام مملکت تعلیمات عمومی و اجباری مجری شود و نظر باینکه در سنوات سابق آنچه اقدام میشد در این قسمت فقط منحصر بشهرها و مراکز بود و دهات و قراء از آن بی بهره بودند و نا بحال هیچ توجهی نشده بود بمعارف قراء و دهات در دوره پنجم در موقعی که لایحه مجری مالیات املاک اربابی مطرح بود تبصره در مجلس تصویب شد که صد نیم عایدات بمصرف معارف و مدارس قراء و دهات برسد و همینطور که آقایان ملاحظه فرموده اند عجالتا بر روی آن تبصره این لایحه از طرف دولت پیشنهاد شده و بمجلس تقدیم شده و بنده خوشوقت هستم از اینکه چون آقای وزیر معارف همیشه در این قسمت يك عشقی داشته اند و در راه معارف خدمت کرده اند البته در این قسمت هم خیلی سعی خواهند بود که این قدم عملی شود و برای مملکت يك منافع عمده حاصل کنند ولی نقطه نظری که بنده داشتم این بود که این لایحه از آن نظری که مجلس داشته قدری منحرف شده . چون نظری را که مجلس پنجم داشت و آن تبصره که پیشنهاد شده بود نظرش این بود که این عایدات چون بردهات تحمیل میشود و از دهات گرفته میشود فقط بمصرف مدارس و تحصیلات ابتدائی دهات برسد ولی در این لایحه بکفدری توسعه داده شده است اگرچه همانطوریکه عرض کردم

سنوات بمسند بعد از ۱۳۰۹ بسوزارت معارف بدهند که خرج کند ولی بنده معتقد نیستم سه سال این وجوه جمع شود و بعد از سه سال اگر اضافه دارند آن اضافه را بمصرف برسانند بلکه عقیده دارم که هر موقعی که این وجوهات وصول میشود در همان سنه باید بمصرف خودش برسد و هر قدر ممکن است زودتر این مسئله تعلیمات عمومی در تمام نقاط مملکت و قراء توسعه پیدا کند و هر ساعتی که ممکن بشود این وجوه وصول شود بمصرف آن نیاید تاخیر شود - این قسمت تا يك اندازه بعقیده بنده تاخیر در این مقصود را بواسطه این لایحه پیش میآورد بجهت اینکه در تاریخ دی ۱۳۰۴ قانون مجری گذشته و مدت اجرائش دو سال قرار داده شده که در واقع دی ۱۳۰۶ منتهای مدتی است که دولت در این مدت میبایستی عملیاتش را بکند و در دی ۱۳۰۶ میبایستی این قانون در تمام مملکت اجرا شود یعنی مالیات ۱۳۰۶ بعقیده بنده باید مطابق اینقانون از مردم گرفته شود وقتی که این مالیات ۱۳۰۶ را مطابق این قانون از مردم بگیرند البته آن وقت از برای ۱۳۰۷ ممکن است دولت آنچه را که از عایدات صد نیم وصول شده در جزو بودجه معین کند و همان مبلغ را بمصرف برساند برای تأسیسات مقدمان و ابتدائیش هم از حالا تا آخر ۱۳۰۶ که یکسال مدت دارد میتواند هر قدر لازم باشد برای مقدمات این کار از قبیل تهیه معلم و ساختن ابنیه و اثاثیه در این مدت اقدام کند و در اول ۱۳۰۷ حقیقه آنچه را که از این مالیات وصول میشود آن مبلغ تمام و کمال بمصرف برسد در ۱۳۰۷ دوپست و شصت هزار تومان برآورد شده در صورتیکه در ۱۳۰۹ پانصد هزار تومان دوپست و چهل هزار تومان از این پول بزمن میباید که بعد از ۱۳۰۹ بدهند و مصرف شود . از این نقطه نظر هم بنده مخالفم و معتقدم اگر چنانچه حالا نتوانند موافقت کنند که این مسئله را اضافه کنیم این قسمت را که نوشته شده بعد از ۱۳۰۹

پرداخته شود اینرا تبدیل کنیم که در آخر هر سنه عایدات آن سنه که معین شد مازاد آن هر چه باشد در سنه بعد پرداخته شود که وزارت معارف در همان سنه به مصرف برساند که این پول دو سه سال معطل نماند و مردم هم از این وجوه بی بهره و بی نصیب نمانند و اگر چنانچه باینصورت باشد در تقسیمش هم کجاست میکنم خود وزارت معارف دچار اشکال بشود بنا بر این این قسمت همانطور که عرض کردم کجاست میکنم خوب است اینجسا اصلاح شود که در همان سال هر مبلغ اضافه پیدا شود در سنه بعد بمصرف معارف برسانند قسمت دیگری را هم که بنده نظر داشتم الغاء آن تبصره است که در قانون مالیات مجری نوشته شده و در اینجسا الغاء شده - بنده آن چه را که از این تبصره می فهمم بهیچوجه من الوجوه دولت را مجبور نمیکند که عایداتی را که از هر دهی وصول میشود در خود آن ده بمصرف برساند بلکه مضمون تبصره این است که عایدات هر دهی باید بمصرف معارف همان ده برسد اینجسا وقتی که در تبصره مینویسد : عایدات هر دهی بمصرف معارف آن ده میرسد - این عبارت کجاست میکنم دولت را مجبور کند باینکه در همان ده مدرسه تأسیس کند و ممکن است همین نظریه را که حالیه دولت دارد در سه ده یا چهار ده که بهلولی هستند و نزدیک هم هستند يك مدرسه تأسیس بکنند و آن تبصره هیچ مانع نیست و دولت میتواند در چهار یا پنج ده که اطراف هم هستند در صورتیکه هر دهی عایدات خودش مکفی برای مدرسه و معلم نباشد در يك نقطه مدرسه معین نمایند ولی البته باید هر کدام از ایندهات باندازه آن سهمی که میدهند استفاده کنند باین جهت الغای آن تبصره را هم بنده لازم نمیدانم و گمان می کنم اگر آن تبصره هم باشد مانع از این عمل نیست ولی اگر چنانچه آن تبصره برداشته شود - بنده همانطوریکه عرض کردم البته ممکن است آقای تدین این نظریه را تعقیب بفرمایند اما

بعد از ایشان در مواقع دیگری ممکن است سوء استفاده از این ماده بشود و آن نظریه که هست تبدیل شود بیک نظریات دیگری که بالاخره آن نظریه اصلی که تعلیم اجباری و ابتدائی است از بین برود باین جهت بنده عقیده ام این است که آقایان موافقت بفرمایند آن تبصره بحال خودش باقی باشد این حق هم البته بایشان داده میشود که در سه ده چهار ده که مجاور هم هستند بیک مدرسه تاسیس کنند یعنی عایدات همان ده را فقط بمصرف معارف آنجا برسانند.

وزیر معارف - از حیث اینکه هر قدر برای تعلیمات ابتدائی پول زیاد تر موجود باشد بنده کمال موافقت را دارم و بصرفه معارف و تعلیمات عمومی مملکت استولی این ترتیب و تقسیمی که در اینجا شده است از نقطه نظر عملی شدن قضیه بوده است و زارنمائی در نظر گرفته است آن مبلغی را که بطور تحقیق و قطعی میتواند همه سال بدهد این مبلغی است که در اینجا تقسیم بسنوا شده است. وزارت عمالیه میگوید من نمی توانم در مقابل بیک مخارج قطعی بتخمین و تقریب قائل شوم برای اینکه در سنه ۱۳۰۶ که یکصد و شصت هزار تومان معین شد وزارت معارف در مقابل همین صد و شصت هزار تومان مجبور است خرج ایجاد کند و از روی تخمین نمیتواند مدرسه ایجاد کند ممکن است از روی تخمین مالیه فرض کند که در سنه ۱۳۰۶ دوست و پنجاه هزار تومان سیصد هزار تومان ممکن است صدی نیم عایدات میزدی بشود اما بر روی این تخمین که نمیشود مدرسه ایجاد کرد - بنا براین میگوید آن میزان مقطوعی که من میتوانم بمدارس و معارف بدهم این است و بعد هم برای اینکه اگر زیاد بیاید صرف سایر مصارف عمومی نشود ماده بعد در این جا تصریح دارد که اگر چنانچه چیزی زیاد آمد بعد از رسیدگی بحساب و آن مالیاتهایی که باید وصول شود وصول شد البته آن مازاد او را هم بوزارت معارف خواهند داد این دلیل وزارت عمالیه

است و از نقطه نظر عمل هم وزارت معارف ناچار موافقت میکنند با این طرز و الا البته میل دارد که از همین امسال سالی بیک کرور بدهند اما متأسفانه این عملی نیست چون در اینجا نظر مالیه شرط است یعنی نظر آن کسی که می خواهد پول بپردازد و اما اینکه اظهار کردند عبارت تبصره بیک طوری است و محتاج نیست باینکه تفسیر شود بقیده بنده محتاج به تفسیر است. آن جا که میگوید: عایدات هر دهی صرف معارف همان ده خواهد شد. معنایش این است که آن احتیاجات معارفی که هر ده دارد باید عایداتش هم صرف همان جا بشود - معارف طهران وقتی که میگویند عبارت است از آن مدارس و تشکیلات معارفی که باید در این جا درست بشود معارف بیک ده هم عبارت است از احتیاجات معارفی که بیک ده دارد حالا در موقع عمل ممکن است عوائد این ده برای رفع احتیاجاتش کافی نباشد و در مقابل بیک ده دیگری باشد که عایداتش زیاد تر از احتیاجات معارفیش باشد - ظاهر تبصره این است که عایدات هر دهی صرف معارف همان ده خواهد شد یعنی اگر عایدات این ده زیاد باشد نمیشود داد بیک ده دیگر بنا براین این محتاج به تفسیر بوده است و تفسیرش هم همان ماده شش است که میگوید (در صورتیکه صدی نیم مالیات بیک ده تکافؤ با تاسیس و نگاهداری مدرسه در آن ده نماید) در این جا وزارت معارف چه باید بکند؟ چندده که نزدیک بهم دیگر باشند وزارت معارف حساب میکنند و از مجموع آن عوائد رفع احتیاجات آن چند ده را میکنند حالا اگر مقصود از تبصره این است که ماده شش عین همین را می گوید بنابراین بجای آن قسمت تبصره این ماده شش در واقع بیک تفسیری است که بعد ها سوء تعبیر باختلافی در تفسیرش نشود. حالا اگر میفرمائید همین است و محتاج بماده شش نیست ما هم حرفی نداریم ولی مقصود وزارت معارف از نقطه نظر عملی شدن است و اما اینکه فرمودند اینجوه صرف بعضی چیزها نباید بشود اولاً آقایان تصدیق

میفرمایند که وقتی ماقائل میشوم بتاسیس بیک مدرسه باید قائل شوم به لوازمی که برای آن مدرسه قطعاً لازم است از جمله آنها تهیه معلم است. تهیه معلم و دارالمعلمین و تهیه اثاثیه و تهیه بنس و ساختمان و اینگونه اموریکه مربوط بمدرسه است. مفتش هم از لوازم اینکار است حالا تصور نشود که مفتش عبارت است از بیک امری که واقعاً برخلاف مصالح معارفی است. خیر مفتش لازم است نهایت باید از وجود مفتش استفاده کرد و الا نمیشود در نوبت دهات در هر دهی بیک مدرسه را سپرد بیک عده بعنوان ناظم و مدیر معلم و از طرف وزارت معارف هیچ نظارتی نسبت بانها نشود - این بیک امر مسلمی است تنها چیزی که آقایان باید مطمئن بشوند این است که لوازم تاسیس بیک مدرسه با لوازم معارف بیک ده بایک شهر یا هر چه باشد کما هو حقه باشد و سوء استفاده نشود و البته اینها جزو لوازم است

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی گرفته میشود بشور در مواد آقایان که شور در مواد را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول:

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده اول - بدولت اجازه داده میشود که از هذه السنه بترتیب ذیل مبالغی که ذکر میشود بمصرف تعلیمات ابتدائی علاوه بر مبالغی که تا کنون بمصرف معارف میرسیده برساند

در ۱۳۰۵	-	۶۰۰۰۰۰	تومان
در ۱۳۰۶	-	۱۶۰۰۰۰۰	،
در ۱۳۰۷	-	۲۶۰۰۰۰۰	،
در ۱۳۰۸	-	۳۶۰۰۰۰۰	،
در ۱۳۰۹	-	۵۰۰۰۰۰۰	،

رئیس - آقای بیات

بیات - بنده در قسمت دومش همانطوریکه در کلیات عرض کردم مخالفم و عقیده ام این است که از برای ۱۳۰۷ باید بیشتر معین شود در اینجا آقای وزیر معارف فرمودند بیک عایدات تخمینی را نمیشود برایش بیک مخارج قطعی معلوم کرد بنده عرض میکنم کلیه بودجه مملکت همین حال را دارد بودجه مملکت را وقتی ملاحظه بفرمائید عبارت از بیک عایدات پیش بینی شده ایست که بیک مخارج معینی را در مقابل آن معلوم می کنند مثلاً وزارت عمالیه در سنه ۱۳۰۶ عایداتش چهل و هفت کرور یا چهل و هشت کرور است آنوقت از روی همان میزان بودجه مملکتی را مینویسند و البته آقایان میدانند که تمام این جمع و خرج تخمینی است البته در موقع تخمین بیک قدری کمتر برآورد می شود ولی نه اینکه بیک تخمین پانصد هزار تومان را دوست و شصت هزار تومان برآورد کنند و البته عایدات صد نیم معارف هم سی هزار تومان پنجاه هزار تومان در سال کم و زیاد می شود لهذا چهار ضد و پنجاه هزار تومان برآورد می کنیم - اما اینکه پانصد هزار تومان را دوست و شصت هزار تومان برآورد کنیم بنده نمیدانم از چه نقطه نظر است زیرا عایدات تخمینی فرق نمی کند چه مال وزارت معارف باشد چه مال سایر مؤسسات مملکت باشد همه از روی تخمین است که وزارت مالیه معین می کند بعد هم پرداخته میشود و بنده عقیده ام این است این تخمینی که در اینجا معین شده است خیلی کم است و در سال ۱۳۰۷ از مقداریکه معین شده است خیلی بیشتر می شود این بیک قسمت اشکال بنده است که عرض کردم و یکی هم اصلاحی بود که در ماده داشتم که در موقع خودش پیشنهاد آنرا تقدیم می کنم -

بهار (مخبر کمیسیون معارف) - آنچه که در کمیسیون راجع به ماده اول ما را متقاعد کرد بیک قسمت همان توضیحات بود که آقای وزیر معارف فرمودند و در بادی امر هم این قضیه بنظر صحیح میآید

و شاید در عمل هم صحیح باشد و بعلاوه این قسمت باز مربوط میشود بنظر خود وزیر آگروزارت معارف بتواند باوزارت مالیه در این قسمت توافق نظر حاصل بکند ما همه بامعترض محترم موافق خواهیم بود زیرا بازبصرفه معارف است. پس این مسئله قسمت نحویلی و اشکالاتی که در وصولی و لاوصولی مالیاتها پیش میآید اگر قابل حل باشد همه ماها موافق هستیم ولی چون وکیل پیشنهاد خرج نمیتواند بکند ما باید این قسمت را بنظر وزیر معارف واگذار کنیم. يك قسمت دیگری هم که تانی در خرج را ایجاد میکند بعقیده بنده مسئله وسعت تشکیلاتی است که ما در این لایحه در نظر داریم ما در کمیسیون تصور کردیم که بر فرض در سال اول تمام این عایدات فرضی یا عایدات تخمینی وصول شود وزارت معارف نمیتواند در آن سال بفراخور آن عایدات تشکیلات منظوره را در همه جا بدهد چون معلوم باندازه کافی وجود ندارد و بالاخره تهیه ابنیه و تهیه محل و تهیه کتاب از برای تمام مملکت بفراخور آن مالیاتی که وصول میشود و ما در دوره پنجم رأی دادیم کار آسانی نیست علیهذا در هر صورت وقتی بخواهیم مقصودمان را با عمل مقابله کنیم باز بیک تانی و امتداد وقتی ناچار خواهیم شد خاصه با آن قسمتی که در ماده بعد میگوید وزارت مالیه مکلف میشود که در این مدت پنجسال هر اندازه که از بابت مالیاتهای سنوای که در آن سنوای مخارج کمتر شده است پس انداز شده بمعارف پرداخت نماید در هر صورت ما ضرر نخواهیم کرد و فعلا هم که اسباب و لوازم نداریم. کتاب نداریم و بالاخره وسائل يك تشکیلات وسیعی در سال اول و دوم برای ما ممکن نیست لهذا اگر يك تانی در کار بشود و يك مطالعه در این کار بشود و این تشکیلات داده شود و ضمناً صدی نیم عایدات مالیاتی هم برای خود ما یعنی برای معارفی که در نظر داریم ذخیره شود بعقیده بنده بهتر

از این است که برای سال اول مبلغ زیادی پیش بینی شود و عملی هم نشود و در صورت عملی شدن وصول تمام مبلغ هم بنده نرسید. دارم از این که ما بتوایم موفق شویم که تمام عایدات صدی نیم را که در سال اول میگیریم در همان سال خرج بکنیم و بنده تصور میکنم بر فرض که این عایدات هم جمع شود در سال اول نمیشود بوقع خودش خرج کرد و شاید يك مخارج بپایوده بشود که بعدها اسباب پیشانی همه نان خواهد شد.

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- بنده در کلیات هم يك عراضی داشتم که موقع به بنده نرسید و فعلاً استفاده میکنم از ماده اول. در این ماده می نویسد: در هذه السنه شصت هزار تومان برای اینکار بدهند. هذه السنه ۱۳۰۵ است که در شرف انجام است و چند روز دیگر بیشتر باقی نمانده و اقدامی هم نشده که وزارت معارف يك تعهداتی کرده باشد که مالیه مجبور باشد بپردازد بنا بر این جزء صرفه جوئی خواهد شد بنده میخواستم عرض کنم که در این باب آیا وزارت معارف اقدامی کرده است که این شصت هزار تومان اضافه شود بر صد و شصت هزار تومان سنه ۱۳۰۶ یا نه؟ و بالاخره این صرفه جوئی باید برای معارف باشد نه برای صندوق دولت.

وزیر معارف -- اولاً این وجوه منحصرأ اختصاص بمعارف دارد تانیاً خودتان میدانید که مطابق قانون محاسبات عمومی سنه مالیه در آخر خرداد سنه ۱۳۰۶ تمام می شود بنا بر این این شصت هزار تومان که برای امسال تعیین شده است مدت مصرفش تا آخر خرداد ۱۳۰۶ است و طبعاً ضمیمه خواهد شد با آن صد و شصت هزار تومان که در ۱۳۰۶ باید مصرف شود.

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود.

(شرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد آقای مرتضی قلیخان بیات.

اصلاح قسمت اول ماده اول را بشرح ذیل پیشنهاد میکنم --
ماده اول -- بدولت اجازه داده میشود که در هذه السنه ۱۳۰۵ مبالغهرا که بترتیب ذیل ذکر میشود علاوه بر بودجه سابق وزارت معارف بمصرف تعلیمات ابتدائی قراء و دهات برساند.

رئیس -- آقای بیات

بیات -- اینجا در ماده نوشته شده بدولت اجازه داده میشود که در هذه السنه بترتیب ذیل مبالغی که ذکر می شود بمصرف تعلیمات ابتدائی علاوه بر مبالغی که تا کنون بمصرف معارف رسیده برساند. همانطوریکه بنده عرض کردم چون این مالیات را دهات میدهند و از دهات گرفته میشود و نظر مجلس هم این است که در دهات مصرف شود اینجا بکفدری مصرح نیست و نوشته شده است بمصرف تعلیمات ابتدائی برسد -- و چون این مسئله در اینجا مصرح نیست و ممکن است از دهات نخطی کند و بشهرها برسد بنده عقیده ام این است که در این ماده تصریح بکنیم همان نظریه را که داریم لهذا بنده پیشنهاد کردم که علاوه بر بودجه معارف بمصرف تعلیمات ابتدائی دهات و قراء برسد و البته همانطور که آقای وزیر معارف اظهار کردند نظر خودشان هم غیر از این نیست و نظر آقایان هم تأمین میشود.

نخب -- اولاً در این لایحه تصریح نکرده است که عایدات معارفی دهات را خرج شهرها کنند و در آن تبصره هم که در دوره پنجم رأی داده شده است در آنجا هم می گوید: صدی نیم از عایدات فوق برای مصرف معارف اختصاص داده میشود ضمناً هم میگوید عایدات هر دهی صرف معارف خود آن دم بشود آنجا هم شهرها را محروم نکرده است در این لایحه هم ما مسلم ننوشتیم و در آن تبصره هم اگر نگاه کنید شهرها را

محروم نکرده است بعلاوه در اینجا یکی از مالیات های که صدی نیم مأخوذ میشود از قنوانی است که بمصرف شرب شهرها میرسد. فرض کنید قنوانی که بمصرف شرب میرسد. همینطور يك املاکی است که مالیات بآنها تعلق می گیرد و وصل بشهرها است. این ها را شما صرف نظر می کنید؟ یا عایدات حومه شهرها را که در بعضی نقاط فوق العاده مهم است اینها را اختصاص میدهند بدعوات دور دستی که خود آن ده باز عایدات دارد؟ چه می کنید؟ لهذا با آن تبصره و با این ماده که در این لایحه ذکر شده است در هیچکدام تصریح نشده است که بدعوات دور شهرها و بشهرها دور دهات بدهند بنا بر این عقیده بنده این است اگر ما این قسمت را همینطور بحال طبیعی و سکوت بگذاریم و بنظر وزارت معارف واگذار کنیم که بطور طبیعی قضیه جریان پیدا کند بهتر است والا ما اگر بخواهیم تصریح کنیم قضیه را آنوقت نسبت به مالیاتهایی که از شهرها یا از حومه شهرها گرفته میشود وزارت معارف دچار اشکال خواهد شد باقی بسته بتوضیح آقای وزیر معارف است.

رئیس -- آقای وزیر معارف.

وزیر معارف -- اولاً چندین دفعه اظهار کردند مالیات را ده میدهد و بنا بر این باید اختصاص داشته باشد. مالیات را ده نمیدهد. مالیات را مالک ده میدهد. شروانی -- دست رنج است.

وزیر معارف -- اجازه بدهید آقا. ماده اول تصریح دارد از مالیات املاک اربانی (بغیر از خالصجات انتقالی که بموجب قانون علیحده مشخص میشود) بطریق ذیل اخذ خواهد شد. اول املاک: از کل محصول اعم از آبی و دیمی و باغات قبل از تقسیم صد سه.

دوم -- جنگل و مرتع از عایدات مطلق مالکانه صد سه سوم -- طواحین و آبدنگ از عایدات مطلق مالکانه

صد پنج

چهارم -- از عایدات قنوانی که بمصرف شرب میرسد صد پنج

تبصره ۱ - مالیات جنگل ها و مراتع بر عایداتی تعلق می گیرد که صاحبان جنگل و مراتع از راه اجاره یا فروش محصول آن بدست می آورند.

اگر بنا باشد از آن محلی که گرفته میشود باید بهمان محل اختصاص داده شود اختصاص به ده تنها ندارد به جنگل هم باید مدرسه داد. بمرتع هم باید مدرسه داد. چرا؟ برای اینکه مرتع هم مالیات میدهد. طواحين آسیا و آبدنك هم مالیات میدهد. پس به آسیا و آبدنك هم باید مدرسه بدهند! این منطق عجیبی است که شما میفرمائید! این قانون است آقا - تبصره دوم میگوید (علاوه بر مالیات مأخوذه در فوق صدی نیم از عایدات كل برای معارف مأخوذ و عایدات هر دهی صرف معارف همان ده خواهد شد) قبول کردیم از اینجا شما استفاده می کنید که تمام این عوائد صدی نیم که باید مالك آن ده بدهد خواه خرده مالك باشد خواه مالك كل باشد این را تمام اختصاص میدهد به ده

شیروانی - بلی.

وزیر معارف - خیر اینطور نیست

شیروانی - مقصود همین است

وزیر معارف - اگر مقصود این باشد پس تبعیض چرا جنگل، طواحين، آبدنك، اینها هم همین حال را دارند بنا بر این مالیات از ده گرفته میشود. از قصبات قسمت ارضیش گرفته میشود. از شهرها قسمتهایی که در این قانون مالیات املاك اربابی است گرفته میشود چیزی که هست این است که آن اندازه عایداتی که از ده گرفته میشود باید صرف ده و صرف معارف همان ده شود اما نه تمام عوائد صرف ده شود. پس بنا بر این اینجا جای نگرانی و اشکال نیست و طبعاً باید نظر آقایان ناامین بشود باینکه اگر از فلان ده از باب صدی نیم يك مبلغی اخذ بشود صرف جای دیگر نشود اما این ملازم باین نیست. که از حومه طهران و از باغاتی که در خود طهران هست و از قناتی که در طهران هست عوائدی

که مطابق این قانون گرفته شود بروند و مصرف یکی از دهات و راین برسانند. اینک منطبق ندارد. پس شما باید مطابق این قانون معتقد شوید باینکه عایدات صدی نیم که از فلان ده بدست می آید صرف جای دیگر نشود ولی این مبلغ را کلیتاً نمیتوان بقرآن اختصاص داد زیرا هم برخلاف قانون مالیات املاك اربابی است و هم برخلاف مصلحت مالکینی است که در شهرها باغ دارند به علاوه عملی هم نیست. این را شما عرض می کنم. بنده مخالف نیستم با اینکه در ده مدرسه باز شود بلکه کمال آرزوی بنده است ولی این را تصدیق میفرمائید که از نقطه نظر عمل وقتی شما بخواهید وارد شوید شهر هنوز معارفش درست نشده. قصبه معارفش درست نشده. شما میخواهید از دهات شروع کنید؟ این عملی نیست. حالا هر چه میخواهید بفرمائید. بفرمائید بنده عرض میکنم عملی نیست و مرام است اول باید مرکز معارفش تکمیل بشود بعد توسعه پیدا بکند و برود به قصبات و دهات و در عین حال اگر الان ما بخواهیم شروع کنیم شاید دو سال مقدمات این امر طول بکشد برای اینکه ما باید معلم تهیه کنیم برای تمام قراء. این کار شوخی نیست مگر شما تصور میفرمائید قراء ایران چهل تا است پنجاه تا است که فوراً دو بست مدرسه تاسیس شود. تمام قراء و قصبات مملکت ایران را که شما در نظر بگیرید آنوقت از نقطه نظر عمل (نه از نقطه نظر مرام و آرزو) شاید بیست سال سی سال دیگر ما موفق شویم که در تمام قراء ایران مدرسه داشته باشیم اما اگر امسال شما بخواهید این مقصود انجام شود قطعاً نمیشود. تا پنج سال دیگر هم قطعاً نمیشود. سالی دو میلیون هم پول بریزد نمیشود. مثل این است که پول را در رودخانه ریخته اید. شما این فکر را بکنید اگر ما بخواهیم در تمام قراء مملکت ایران که بالغ بر چند هزار نامی شود؟

بعضی از نمایندگان - بدست هزار.

وزیر معارف - فرض میکنیم ده هزار در صورتیکه قطعاً بیشتر است ده هزار مدرسه دفعه واحده در مملکت ایران باز کردن چقدر معلم میخواهد؟ اینها را باید تهیه کرد معلم هر کسی نیست. که فوراً نا کتاب دستش دادند یا يك حکمی از طرف وزارت معارف باو دادند که برو درس بده او معلم باشد. ده هزارده، ده هزار مدرسه میخواهد. ده هزار مدرسه اقل در سال اول ده هزار معلم میخواهد. هی آمال و آرزو که مملکت ایران از حیث معارف گلستان بشود!؟ وقتی که هر عمل وارد شدید آنوقت مطلب را تصدیق می کنید. حالا بدهات تخصیص میدهید بدهید. بزارع تخصیص می دهید بدهید. اختیار با شما است اما این فرض و این پیشنهاد را هیچکس نمیتواند عملی کند.

رئیس - آقای مخبر؟

مخبر - بسته بنظر مجلس است

آقا سید یعقوب - بنده يك پیشنهادی تقدیم کرده ام

رئیس - آن پیشنهاد جنابعالی الضمام فرعی است بر اصل اول اصل معلوم شود بعد. آقای بیات بیات - يك تبصره هم پیشنهاد کرده ام خواهش می کنم آن را هم بفرمائید قرائت شود بعد رأی گرفته شود

(اینطور قرائت شد)

تبصره - مالیاتی که از شهرها گرفته میشود صد لیم آن مصرف معارف ابتدائی آن شهر می شود.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد. آقا بانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. چون پیشنهادها زیاد است گمان میکنم امشب تکلیفش معین نخواهد شد و میباید برای جلسه آتی.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - جلسه آتی شب بکشنبه.

(مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

Main body of handwritten text on the left side of the page, consisting of multiple lines of script.

Handwritten text block, possibly a section header or separator.

Handwritten text block.

Handwritten text block.

Main body of handwritten text on the right side of the page, consisting of multiple lines of script.

Handwritten text block, possibly a section header or separator.

Main body of handwritten text on the right side of the page, continuing from the top right block.